

چهار سال پس از یورش سراسری به کردستان در چه شرایطی قرار داریم؟



سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)
کمیته کردستان

سخنی در آنگاز راه

سای گریکار که با انتشار شماره اول حیات رزائی خود را آغاز میکند بعنوان ارگان کمیته کردستان سازمان کارگران انقلابی ایران عرصه ای بین و ابزاری است در خدمت پیشبرد برنامه رزائی برای انقلاب دموکراتیک پرولتاریائی ایران به ای که وظیفه درجه اول و مهم کمیته کردستان از زمان ما یعنی پیشبرد برنامه "سمت گیری-سیاستی و حکومت شورایی" در انطیاق یا شرایط کردستان و پیشبرد جنبش حول این برنامه در سطح ترین شکل و در عین حال دقیق ترین ابعاد آن در پراتیک مبارزاتی را مطرح مینماید.

سازمان ما بعنوان سازمان سیاسی طبقه کارگر ایران که به مواضع و تئوری و برنامه روشن پرولتری

بحران انقلابی ای که در سال ۵۶ آغاز شده بود و در پهن ماه ۵۷ ضحریه در هم شکستن ضد انقلاب آریامهری گردید. ضد انقلاب جدید که با فرار شاه وظیفه فرو نشاندن امواج انقلابی توده ها را بعهده گرفته بود و با شکست ضد انقلاب قبلی و قدرت سیاسی را در دست گرفت. ضد انقلاب جدید تمرکز خود به اراده انقلابی توده ها را آغاز کرد. فقهای فاشیست با تمامی تلاش

در این شماره:

- ⑤ گرامی داشت سالگرد شهادت دوتن از رفقا در صفحه ۲۷
- ⑤ توضیحی درباره نام جدید سازمان ما در صفحه ۳۱
- ⑤ اخبار جنبش در صفحه ۲۹

استقلال، آزادی، حکومت شورایی

سخنی در

دست یافته است اساس کار خود را سازماندهی
 مبارزه طبقه کارگر و پیشبرد این مبارزه حول
 سواضع و برنامه پرولتری خود، ایجاد و تقویت
 ستاد رزنده طبقه کارگر و تامین حد اکثر
 توان و گستردگی نیروی توده ای جهت
 پیشبرد برنامه انقلاب دموکراتیک پرولتاریائی
 طبقه کارگر از طریق متحد گردانیدن زحمت
 کشان و خلقهای ایران با آن، در جبهه
 متحد توده ای میدانند. این وظیفه بعنوان
 مضمین کار تمامی ارثانیهای سازمان ما از
 که پته ها تا سطح واحد های پایه سازمانی
 در تمامی وظائف روزمره آنان جاری بود و
 در انطباق با شرایط کاری آنها خود را متجلی
 مینمایند. وظیفه سازمانگری بدون استفاده
 از حد اکثر ابزارهای گوناگون و متوسع که
 بتوانند به وسیعترین شکل رابطه سازمانگران
 با مسائل زنده و ارثانی مبارزاتی طبقه و
 توده ها را تامین نماید دچار کاستی خواهد
 بود. نشریه بر اساس چنین وظیفه ای است
 که بعنوان ابزاری کارآیی، شرایط لازم جهت
 پیشبرد وظیفه ارتباط و سازمانگری و رهبری
 مبارزه را تامین خواهد نمود. این شرایط
 فراهم نخواهد شد مگر آنکه نشریه بتواند
 حداکثر پیوند زنده و متقابل را با مخاطبین
 مبارز خود و تشکلهای آنها بوجود آورد.

حوزه های اصلی فعالیت "ریگای کریکار"
 همان حوزه هایی خواهد بود که سایر نشر
 سازمانی ما در بعد سراسری دارند یعنی
 تلاش سازمانگرانه در مبارزه طبقه و توده ها
 اساس برنامه پرولتری سازمان از طریق برخورد
 با مسائل زنده مبارزه و سمت و سودادن آن
 با رهنمود های مشخص، تبلیغ و ترویج آن
 برنامه و مبارزه اپیدئولوژیک برنامه ای با برنا
 های سایر نیروهای سیاسی جنبش جهتار
 توان مبارزاتی جنبش توده ای "اما" ریگ
 کریکار علاوه بر تمامی وظائف نامبرده -
 ویژگی خاصی دارد که ناشی از حیات آن در
 بستر جنبش مقاومت خلق قهرمان کرد است
 بدون در نظر گرفتن خصوصیات این جنبش
 که ویژگی ملی - دموکراتیک آن واجد وزن
 نقش برجسته بوده بدون برخورد با تمامه
 ضرورت های ناشی از آن "ریگای کریکار"
 قادر به پیش بردن وظیفه خود نخواهد بود
 بر این اساس است که حل گره گاههای عطا
 پیوند و انطباق دادن برنامه پرولتاریا با
 جنبش و مقاومت عادلانه خلق کرد تلاش وسیع
 را میطلبد. این همان حلقه اساسی است
 که نیاز "ریگای کریکار" را به داشته
 حد اکثر ارتباط و پیوند با تمامی مبارزه
 راستین خلق کرد، که در جستجوی راه
 بقیه در صفحه

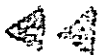
چهار سال پس از

خود قادر به مهار جنبش توده‌ای نشدند و گرچه با جابجایی قدرت سیاسی و قدرت - دوگانه و موقعیت انقلابی در سطح سراسر ایران در هم شکسته شده بود، اما برآمد جنبش بحیات خود ادامه داد و خروجی انقلاب بر لایه‌های مختلف اجتماع را در بر گرفته بود. در این بین خلق قهرمان کرد که در طول شکل گیری قیام با حرکتی کند و بطئی در متن جنبش سراسری قرار گرفته بود و پس از قیام با صلاحیتش پرشکوه در برابر حکومت جمهوری اسلامی قد برافراشت. ارگانهای سیاسی و نظامی بجا مانده از رژیم سابق در صدمه و زمانس مورد تهاجم توده‌ها قرار گرفت که حاکمیت جدید نیازی به در هم شکستن این ارگانها نداشته و در صدد حفظ و حراست این ارگانها و بازسازیشان و در خدمت بازسازی فاشیستی نظام مسلط بهره‌کنشی تولید قرار دادنشان بود. پس این تعرض دیگر نه تعرض به حاکمیت گذشته بلکه مطالبه با استقرار ضد انقلاب جدید بود. در کردستان علاوه بر عوامل تاریخی و ملی موجود و تفاوت مذاهب مورد قبول توده‌ها با چهار جوب آریانی فقهای حکومتگر و مانع از

بروز توهم نسبت به حاکمیت جدید بود و اگر در سایر نقاط وجود توهم توده‌ها نسبت به رژیم مانع از معطوف شدن بلا واسطه جنبش توده‌ای بقدرت سیاسی بود، در اینجانبش توده‌ای، مستقیم و بلا واسطه بقدرت سیاسی معطوف گشت. جنبش گسترده توده‌ای و خلق مسلح چنان شرایطی بوجود آوردند که مانع از کارکرد قدرت سیاسی و استقرار آن شدند و بدین ترتیب قدرت دوگانه و موقعیت انقلابی در کردستان پس از قیام نیز بحیات خود ادامه داد.

ضد انقلاب جدید در مرحله اول تعرضی که بلافاصله پس از قیام بهمین آغاز گشته و در سراسر ایران با برآمد جنبش توده‌ای پس از در هم شکسته شدن قدرت دوگانه روبرو بود، در کردستان در برابر خلقی مسلح قرار داشت از اینرو حمله بدست آوردنهای قیام در اینجا بمعنی حمله بقدرت مسلح توده‌ای، و مقاومت انقلابی توده‌ها حدتت حفظ قدرت دوگانه بود.

اولین تعرض فاشیستی رژیم به کردستان که در نوروز ۵۸ یعنی حدود یکماه پس از قیام آغاز شده بود در برابر امواج مقاومت انقلابی توده‌ها و برپستر برآمد جنبش توده‌ها در سراسر ایران در هم شکسته و معقب رانند.



چهار سال پس از . . .

شد . فقهای فاشیست اراده خلل ناپذیر خلقی قهرمان را در برابر خود بعریانسی مشاهده کردند و مقاومت قهرمانانه توده ها تردیدی در آشتی ناپذیری خلق نکرد . با فاشیستها باقی نمیگذاشت . از اینرو پس از چند ماه و در شرایطی که تعرض ضد انقلابی آنها هنوز در برابر اعتلا جنبش سراسری قرار داشت ، رهبر فاشیستها بر روی صحنه طاعن شد و توبه کرد . توبه کرد که چرا در برابر مقاومت قهرمانانه خلق کرد عقب ننشسته است ، چرا بجنگ مرگ و زندگی با آن دست نزده ، چرا " انقلابی " عمل نکرده است و برای اینکه " انقلابی " عمل کند ، حکم جهاد با خلق کرد و قتل عامشان را صادر کرد . بلا فاصله پس از فرمان هجوم ، واماندگان اسیر در چنگال توهم فاشیستها ، هم چون قوم یا جوع و ما جوع ، از زمین و آسمان ، به کردستان قهرمان سرازیر شدند .

حمله سراسری به کردستان که همزمان با آن در سراسر ایران نیز یورش به ارگانها و نهاد های توده ای و ستاد سازمانهای انقلابی نیز صورت گرفته بود ، با مقاومت پر شکوه خلق قهرمان کرد روبرو شد و ایستادگی مقاومت یکی از ستونهای اصلی در هم شکستن

یورش عمومی مرداد ۵۸ بود . اما در طول این یورش ، جنایات فجیعی که نمونه های اعدامهای دسته جمعی توسط خلخالی ج شرع و اعدام نوجوانان که حتی در مواردی کودکان ۱۲ ساله نیز تیرباران شدند و قتل عام مردم بی دفاع و غیر مسلح میباشد همچو لکه ننگی در کارنامه جنایات جمهوری اسلام ، نقش بسته است . فقهای فاشیست که تا آنزه برای با اجرا در آوردن برنامه عمومی خود نسته بودند نهاد های فاشیستی خود را حد کافی سازمان دهند ، با تمایلات لیبرال بورژوازی جدید و خرده بورژوازی اصلاح طلب نیز دست بگریبان بودند . این عوامل بقدر دلاورانه توده ها و عدم آمادگی فضای سیاسی در سراسر ایران که تحصیل چنین جنایات توسط رژیم را برای توده ها غیر ممکن میسازد ، نزود شده و موجبات شکست فزاینده یورش فاشیستها را بوجود آورد .

فقهای فاشیست چه در مرحله اول تعرض خود به انقلاب که از بهمن ۵۷ آغاز و تا آبان ۵۸ ادامه داشت و حمله سراسری به کردستان در متن آن انجام گرفت ، چه در مرحله دوم تعرض خود که با اشغال سفارت آغاز شده ، هدفش به بیراهه سوق دادن جنبش توده ای بود و موجب در هم شکستن



نخستین برآمد توده ای جنبش سراسری شد اما بدلیل عدم وجود عنصر توهم نسبت به حاکمیت جدید و در کردستان فاقد کارآیی لازم بود و چه در طول برآمد دوم جنبش توده ای که پس از اسفند ۵۹ آغاز شد و چه در مرحله سوم تعرض خود پس از خرداد ۶۰ که برآمد دوم انقلاب نیز در هم شکسته شده عقب نشینی جنبش سراسری آغاز گشت و نتوانست توده ها را به پذیرش چهارچوب نظام وارد کند. بدین ترتیب دوران انقلاب در سراسر ایران باقیمانده خواست سرنگونی جمهوری اسلامی همچنان بعنوان خواست اصلی توده ها بر شد فزاینده خود ادامه داد. این از یکسوی دیگر چون در تمام مراحل قدرت مسلح توده ای به عنوان اصلی ترین عامل تداعی انقلاب در کردستان و خاص بقا و دوام قدرت دوگانه در آن بود و موفقیت انقلابی در کردستان همچنان پایر -

جا ماند *

آنچه در رابطه با مرحله عقب نشینی جنبش باید مورد توجه قرار گیرد اینست که باید بستر عمومی ای که این عقب نشینی در چهارچوب آن صورت میگیرد مورد توجه قرار گیرد. در غیر این صورت از درک مضمون خواست توده ها و رابطه توده ها با قدرت دولتی عاجز خواهیم بود. عقب نشینی ممکن است

بر بستر رکود و دوره انقلابی و حتی موفقیت انقلابی و اما با محتوای اساسا متفاوت به وقوع میبویند. عقب نشینی جنبش در سراسر ایران پس از خرداد ۶۰ بر بستر یک دوره انقلابی انجام گرفت و در حالیکه همین عقب نشینی در کردستان بر بستر یک موفقیت انقلابی بوقوع میبویست. درک این مسئله در تعیین شعارها و تاکتیکها و اشکال مبارزاتی و سازماندهی مبارزات توده ها تأثیر - بسزائی بر جای خواهد گذاشت. همچنین ناتوانی در درک این مسئله ما را بر این خواهد داشت که چرندی نیروی انقلاب با ضد انقلاب در هر مقطع را با دوره های تاکتیکی موجود در هم آمیخته و از این طریق به تاکتیکهای راست یا چپ که در هر حال در خدمت راست قرار خواهد گرفت در غلطیم. با شروع عقب نشینی جنبش و نظرات گوناگونی که محترای همه آنها اعتقاد به رکود در جنبش توده ای بود سر بر آورد که برخی از این نظرات تحت مباحث بی پایه رکود نسبی و رکود موقت یا رویه رکود که اشکال پنهان و شرمگینانه رکودند و ارائه میند. این نظرات که بیانگر ناتوانی و عجز در برابر تهاجم فاشیستهاست به یاس و تسلیم طلبی در میان توده ها دامن زده و بمانعی در



چهار سال

برابر شکل گیری و تقویت اراده انقلابی توده
 ها در برابر تعرض فاشیسم تبدیل میشود .
 مندر شرایط کنونی جمهوری اسلامی
 برنامه گذار خود از مرحله اول بازسازی -
 برزرواین جامعه که هدف آن تثبیت سیاسی
 است بحرله دوم که هدفش تثبیت اقتصادی
 است را پیش رو دارد ، راه اندازی فاشیستی
 سرمایه داری با تکیه بر مرکوبعریان و اصلا-
 حات ارتجاعی بوروکراتیک ، از طریق هر چه
 ستر دلتی کردن اقتصاد در دستور کار
 رژیم جمهوری اسلامی قرار گرفته است و بدین
 ترتیب سنگین ترین بار ممکن در مرحله باز-
 سازی اقتصاد سرمایه داری بر دوش توده ها
 و بخصوص طبقه کارگر قرار گرفته است ، طبقه
 کارگری که در روند مبارزه طبقاتی در چند
 سال گذشته به تجارب عینی و ملموس دست
 یافته و توده های تیکه در این چند سال به
 اندازه چندین دهه تجربه سیاسی آموخته-
 اند ، در شرایطیکه پرولتاریا به لیل تجارب
 عینی و ملموسش در طی این چند سال و
 متحمل شدن بیشترین بار فشار اقتصادی در
 راه حرکت توده ها قرار گرفته است و بدین
 ترتیب جامعه وارد مرحله مقاومت گسترش -
 یابنده انقلاب گشته است و با نرجه باینکه

رشد بحران اقتصادی در يك دوره انقلابی
 لاجرم به تشدید بحران سیاسی منجر میشود
 و انعکاس مقاومت فزاینده انقلاب را در حرکا
 متعدد کارگران و زحمتکشان سراسر ایران
 چه در کارخانه ها و چه در محلات میتوان
 مشاهده کرد ، در چنین شرایطی اشکال
 پنهان نظریه رکود آشکار گشته و یا سرودها
 ندگی خود را به جنبش توده ای نسبت داد
 و با این ادعا که رکود بر جنبش سراسری -
 حاکم است ، در گردستان شعار استقلال -
 داد ، و بدین ترتیب میخواهد از پیوند جنبش
 خلق کرد با کارگران و زحمتکشان سراسر ای
 جلوگیری کند (۱) روند اوضاع سیاسی کرد
 در مراحل مختلف بحران انقلابی چند سال
 گذشته و تردیدی در این مسئله باقی نماند
 که نوسانات سیاسی گردستان تابعی از
 تغییرات سیاسی در سراسر ایران است و
 اگر چه با تقدم و تاخرهایی که ناشی از
 ویژگی اوضاع گردستان است ، پیشروی و
 عقب نشینی جنبش سراسری تاثیر خود را بر
 اوضاع سیاسی گردستان باقی گذاشته و از
 طرف دیگر تاثیرات برجسته ای که گردستان
 پشابه در مقاومت انقلاب ایران بر اوضاع -
 سراسری داشته است ، در رابطه ارکانیک
 قرارداداشتن جنبش خلق کرد و رهایی آن
 با رهایی کارگران و زحمتکشان سراسر ایران



را به امری انکار ناپذیر تبدیل کرده است .
 در نتیجه هر جریانیکه برنامه اش برای برنای
 خلق کرد و در پیوند ارگانیک با رهایی کارگران
 و زحمتکمان سراسر ایران نباشد از هم -
 اکنون ناقوس سرگ خود را بصدای در آورد تا سست
 بدلیل پیوند عمیق اوضاع سیاسی جنبش
 خلق کرد و جنبشی سراسری و کردستان نیز
 هم اکنون در مرحله مقاومت گسترش یابنده .
انقلاب پسر میرد و نمود آنها مترازان در حرکات
 متعدد اعتراضی در شهرهای کردستان و
 مقاومت روستائیان در برابر تسلیح اجباری
 حمایت از نیروی پیشمرگه و پیوستنشان به صفوف
 آنها و نمونه های متعدد دیگر مشاهده کرد .
 بنابراین شعار اصلی ما در این مقطع باید
سازماندهی مقاومت توده ها در مناطق آزاد
و مناطق اشغال شده باشد .

در شرایط گسترش مقاومت انقلاب به پس -
 طاقتی خرد و روزروایی خود را با اشکال مختلف
 نمایان میکند . تحلیل اوضاع سیاسی جنبش
 بضا به شکل گیری برآمد جدید و بدین ترتیب
 ندیدن امکانات رژیم برای پیشروی بیشتر و
 در عین مقاومت گسترش یابنده انقلاب و برخورد
 چپ روانه با سطح رشد جنبش توده ایست
 و شکل دیگر تظاهر این پس طاقتی و ندیدن
 امواج خروشان مقاومت انقلاب در جنبش
 سراسری و از این طریق مثلا اتکا به شمار

استقلال کردستان تحت هر شعار مستقیم
 یا غیر مستقیم میباشد که این دومی تکمیل
 ما بیوسانه برخورد با سطح رشد جنبش و
 برخورد راست با آن منتهی تحت پوشش
 چپ است .

مقاومت خلق قهرمان کرد در برابر تصرف
 ضات فاشیسم تحت اشکال مختلف امکان بروز
 یافته و صورت میگیرد . اما در این بین شکل
 مسلحانه مبارزه و عالی ترین شکل مبارزه است
 که در کردستان جریان دارد . بنابراین
 نیروهای انقلابی باید با توجه به موازنه
 نیروهای انقلاب و ضد انقلاب و امکانات
 واقعی موجود در جنبش، برنامه ای مشخص
 در رابطه با این شکل از مبارزه داشته باشند
 اگر نقطه آغاز عقب نشینی جنبش سراسری
 پس از خرداد ۱۳۰۷ در هم شکستن اعتلاء
 انقلابی بود و جنبش خلق کرد در شرایط
 ادامه موقعیت انقلابی و وجود قدرت دوگانه
 با این عقب نشینی روبرو شد . در نتیجه
 رژیم توانایی دست یابی به موفقیتهایی که
 در سطح سراسری بدان دست پیدا کرده
 بود را نداشت . به همین دلیل پس از گذشت
 نزدیک به یکسال تحصضات سراسری خود را
 به مناطق آزاد کردستان آغاز کرد و تا کنون
 به موفقیتهایی نیز در این زمینه بدست آورده
 است .

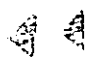


چهار سال . . .

عوامی که در حد پیشروی رژیم موزند عبارتند از آنف بسط رشد جنبش توده‌ای که با مقاومت فزاینده انقلاب در برابر تعرضات ضد انقلاب که امکانات پیشروی رژیم را محدود میکند، با تضادهای درونی رژیم که در حال حاضر بدلیل حدت یابی - تضاد بورژوازی سنتی و فقه‌های حکومتگر - محدودیتهای قابل توجهی در برابر پیشروی بی‌مهار رژیم ایجاد میکند، تا زمانیکه قضا قادر به حذف نمایندگان بورژوازی سنتی از حاکمیت نشده باشند، این عوامل بضرر تثبیت سیاسی رژیم و در نتیجه بنفع انقلاب عمل خواهند کرد. چ، جنگ ایران و عراق - فقه‌های - رژیمگر تا زمانیکه موفق به حذف نمایندگان بورژوازی سنتی از حاکمیت نشده باشند، ناچار بر روی جنگ بمنابه مسئله محوری تکیه خواهند کرد و تفاق این امر با محوریت بودن مسئله اقتصاد در سطح جامعه، سال کمونی را به سان باتلاق جنگ برای جمهوری اسلامی تبدیل کرده است. د، تأثیر سازمانهای سیاسی - سیاست سازمانهای سیاسی به خصوص در نیروی عده جنبش مقاومت تأثیر بسزایی در روند جنبش خلق کرد برجسته خواهد داشت، جنبش مقاومت از آمدن

بناستیل نیروی بر خوردار است که نیروی قادر به ادامه حیات در درون آن خواهند بود که به ضرورت‌های آن پاسخ مثبت بدهند نقش این مسئله را در سیاست مطوف بدن سازمانهای سیاسی موجود میتوان مشاهده کرد. مجموعه عوامل فوق شرایط مناسبی برای حذف شرجه بیشتر مناطق آزاد را بوجود می‌آورد.

با توجه به اهمیتی که شرایط نیمه دموکراتیک و دموکراتیک در بقاء و دوام موقعیت انقلاب دارد و بدلیل اینکه امکان دست یابی به عالی‌ترین شکل جنبش شرایطی در مناطق آزاد متصور است، شرایطی که امکانات همه سیاسی و نظامی را در اختیار جنبش قرار میدهد و این امکانات عامل سرنوشت‌ساز برای تداوم موقعیت انقلابی است دفاع‌عما از مناطق آزاد به وظیفه مهم تمامی نیروی انقلابی تبدیل شده است. شکست‌ها؛ مفتضحانه رژیم در جنگ ایران و عراق و بسا کردن جبهه جدید در کردستان برای تصرف عراق و برای کسب اعتبار از دست رفته در جنگ، و مقاومت جوانان در برابر اعزام جبهه که در سخنرانیهای سردمداران رژیم نیز منعکس گشته است، تخلیه و کم کردن نیروی برخی از پایگاه‌های رژیم که در نتیجه ضربه



پذیری دشمن را در آن مناطق بالا برده است
 حاکی از سطح محدودیت بسیج نیرو از طرف
 جمهوری اسلامی است. در نتیجه پیشرویهای
 رژیم بقیمت پراکندن نیروهای کنونی در کرد-
 ستان و هر چه ضربه پذیرتر شدن آنهاست.
 از سوی دیگر، یکی از تاکتیکهای برجستهای
 حفظ مناطق آزاد ضربه زدن بر پشت جبهه
 دشمن و بدینوسیله تحمیل پراکندگی تر کردن -
 نیروهای دشمن به آن و جلوگیری از تمرکز
 نیروی آن برای تعرض به مناطق آزاد میباشد.
 بدین ترتیب برای حفظ مناطق آزاد باید به
 تهاجم به نیروهای دشمن در مناطق تحت
 اشغال دست زد. مجموعه عوامل فوق وظیفه
 دفاع فعال از مناطق آزاد و تعرض به نیروهای
سرکوبگر دشمن در مناطق تحت اشغال رژیم
 را در برابر ما قرار میدهد.

اما مبارزه مسلحانه بعنوان عالی ترین شکل
 مبارزه خلق کرده در حان حاضر، تنها شکل
 آن نبوده و وسیله نیروهای انقلابی است که
 با پیوند دادن اشکال متفاوت مبارزه سیاسی
 در روستاها و بخصوص شهرها که نقش بر-
 جسته ای در سرنوشت جنبش خلق کرد بازی
 خواهند کرد و تلفیق مناسبی بین کار سیاسی
 و کار نظامی بوجود آورند.

نقش برجسته ای که شهرهای کردستان در
 شکن گیری جنبش مقاومت داشته است و بدین

ترتیب سازمانهای سیاسی خلق کرد و خود
 نیز در آنجا شکل گرفتند و وزنی که شهرها
 حتی پس از اشغال رژیم و در جنبش مقاومت
 بازی کرده اند و نمود این نقش را میتوان در
 حرزات متعدد اعتراضی توده ها نظیر تظاهرات
 هرات و اعتصابات و تحریم و بایکوت رژیم و
 همچنین انواع کتکهای مردم شهرها به جنبش
 مسلحانه و تامین نیروی پیشمرگه و اهمیت شهر
 ها و ضرورت پیوند دادن هر چه بیشتر مبارزه
در شهرها با مبارزه در روستا را بین از
 پهنی در برابرمان قرار میدهد.

اشکال مبارزاتی و تاکتیکها حلقهات متعدد
 زنجیره ای هستند که خط سرخی آنها را
 بهم پیوند میدهد برنامه است. از اینرو
 برای روشن شدن مبانی برنامه ای اشکال
 مبارزاتی و تاکتیکها و ... باید برنامه
 پرولتاریا برای روستایی جنبش خلق کرد و در
 پیوند با رهایی کارگران و زحمتکشان سراسر
 ایران را مورد بررسی قرار داد. ما بحث
 خود را در این باره ادامه خواهیم داد.

۱) اتحاد مبارزان کمونیست که در -
 مصوبات کنگره اول خود سطح رشد جنبش
 توده ای را رکود موقت و کم تحرکی جنبش
 انقلابی ارزیابی کرده بود. اخیراً در مقاله



گل سرخ رهائی

از سفره خالی

و نان خشک کان صادق کرد

سرود سوخ رسایی بگونی می آید

وقتی بمبهای آمریکایی

سندج را ویران میکنند

یار محمد فقط

شش ساله است

دستهای کوچکش

تازه کلمه آزادی را می توانست بنویسد

اما حالا

زیر خروارها خاک و براده آهن

از دستهای کوچکش

گلی سرخ روئیده است

گل سرخ رهائی !

فیزار سال

ای در کارگر کمونیست ۱ آنرا " رکود و بس -

کی جنبش انقلاب سراسری " اعلام کرده

در غیر مستقیم استقلال کردستان یعنی

" خروج کامل و بدون قید و شرط قوای اشغال

گر جمهوری اسلامی از کردستان " را بعنوان

شعار محوری ارائه داده و بطلاق کرد پیشنهاد

میکند که جدا از " متن و بستر انقلاب سراسری

و در انطباق با جنبش سراسری " و " آزاد -

سازی کردستان از زیر بیع قوای اشغالگر و

کسب حق تعیین سرنوشت از طریق تهری را

تهدت خود قرار دهد " و " کسب قهری حق

تعیین سرنوشت در چهار چوب کردستان " -

طرح شعار کردستان مستقل از پهلو و په

شیوه غیر مستقیم است . (نقل قولها و -

تاکیدات از مقاله " خروج کامل و بدون قید

و شرط قوای اشغالگر جمهوری اسلامی از -

کردستان خواست طبقه کارگر است " ضد

در کارگر کمونیست ۱ " تاکید در خطن از د

این جریان " بن بست انحرافی خود

در سطح جنبش سراسری و ناتوانی آن در

پیوند با مبارزات کارگران و زحمتکشسان سراس

ایران را رکود جنبش سراسری تعبیر میکند و

در نتیجه به تحلیل و شعارهای مایوسانه

متوسل میگردد .

دوستان و رفقا !

با کمکهای مالی خود

مارا یاری رسانید

ایران است شعار خاق کرد :

خودمشتاری شورائی ، کردستان صنعتی ، در ایران شورائی

۹ رژیسم فاشیستی می‌خواهد بستون پینجم
ورتنگسینه خود در میان انقلاب را نماینده
طبقه کارگر با بزند! ۱۶

حکومت فاشیستی ولایت فقیه و اپوزیت‌ها بار
دیگر بنمایر قدرت ابزارهای سرکسویکرو
و فاشیستی خود پرداخته است و با بهره -
گیری از شیوه فاشیستیک خارج این حکومت فا -
شستی است در صدد اثبات شکست ناپذیر
قدرت سیاسی ریلیس خویش است. علاوه
بر این فقهای حکومتی با صراحت بر خنند
کمونیست و نیز نه شرقی نه غربی بودن قاطع
خود تأکید دارند. در اینجا این سؤال
مسلح می‌شود که حکومتیکه در ناصر جسد
حزب و تک‌تک توده را زیر لگده قرار داده
است و در واقع تفسیر خود را بر روز چه
طبقه‌ای بلند کرده است و نیز حکومتیکه به
ظاهر خود را مدافع منافع مستضعفان مینامد
با اصرار دیوانه وار بر ضد کمونیست بودن
خود و در واقع اعتماد چه طبقه‌ای را میخواهد
بخود جلب نماید. آنچه مسلم است حوادثی

که اکنون در برابر ما رخ میدهند و حلقه‌ای
از یک سلسله زنجیر است که فقهای حکومتی
در طول بیست و چهار سال حکومت دودنشانسه
خود در حان بهم تبدیل اند و تا بشیوه‌ای
جدید مردم زخم‌دیده میهن ما را در دام
نظام سرمایه داری وابسته جسد داسیر و
کژفتار سازد. سفارت آمریکا حلقه‌ای از این
زنجیر بود و اکنون به تعبیر خود حکومت -
گران سفارت دوم نیز حلقه‌ای یگرا از زمین
زنجیر است. اگر در جریان سفارت آمریکا
رژیم فاشیستی برای تعرض جدید به انقلاب
مجبور بود جریان اصلاح طلبی ارتجاعی
خود و بورژوازی را که به این خیابان خام دل
خون کرده بود که در چارچوب نظام سرمایه
دارن وابسته با اصلاحاتی می‌توان
به رعایتی سیاسی و اجتماعی دست یافت به
صحنه آورد. و اگر در آن زمان رفرسیسم حزب
توده بخاطر تجزیه بزرگترین سازمان

نابود باد رژیم فاشیستی جمهوری اسلامی

رژیم فاشیستی

بجز همین یعنی سازمان چریکهای فاشیستی خلق و سرانیز کردن بخش مهمی از آن بسمه با تلاق منشی تسلیم طلبانه حزب توده از نظر لای حکومتی یک نیروی ذخیره قابل پذیرش بحساب میآید اکنون مرحله جدیدی در سازمان سازی نظام سرمایه داری وابسته آغاز شده و در این مرحله حکومت فقها با طرح شعار اضیت برای سرمایه و قصد جلب بورژوازی بنظر کلی و بسیر اخص سوی صنعت و تولید بنظور صنعتی کردن ارتجاعی - بوروکراتیک را دارد و با طرح شعار اصلاحات بنفع مستضعفان میخواند همچنان با تکیه بر انتقام طلبی نیروهای حاشیه تولید و خورد و میزبازی سنتی و ستونهای جامعه سرمایه داری را بر دوش کارگران رژیم همین نیروهای حاشیه تولید که خود قربانیان نظام سرمایه داری وابسته هستند و جدا بنا نماید و با زوری فاشیستی حکومت نیز بعنوان تضرعین کننده این اهدات بکار گرفته میشود الزاما فقهای حکومتی به مانورهای تازه ای در عرصه سیاست باید دست زنند و اکنون دریکی از این مانورهاست که حزب ورشکسته سواد و دودمانی کوشند راضی به قربانگی برده میشوند اگر فقهای حکومتی پس از حمله دهه اشغال

سفارت در ادامه حرکت ارتجاعی و ضد انقلاب خود دایر بر باز سازی فاشیستی سرمایه داری و الزاما بخاطر در هم شکستن برآمدی که آنزمان سازمان مجاهدین خلق در راس آن بوده و ضرورتا با بورژوازی منشی فاشیست شده اند با تاکید بر اراده واحد حکومت منشی و هر چه قاطعتر با زوری فاشیستی حکومت فقها را برای در هم شکستن هر نوع آزادی طلبی بکار اندازد و اکنون که تداوم بحران اقتصادی تراکم فقر و فلاکت و بیکاری و سیره زحمتکشان را هر روز بیشتر از پیش میخشکاند و فشار خفقان فاشیستی و عرصه را بر اعتراضات توده ها تنگ ساخته است و حکومت فاشیستی ولایت فقیه که نمایان آنفجار چنین توده ای است و از هم اکنون اعتراضات پراکنده توده ها و بطریق خاص اعتراضات کارگران صنعتی را علامت چنین انفجاری ارزیابی میکند و برای آنکه بحران اقتصادی را از طریق حفظ و باز سازی نظام سرمایه داری وابسته مهار نماید و از طریق اصلاحات ارتجاعی بوروکراتیکان شیروانی را نیز در کنار ابزارهای سرکوب فاشیستی خود مورد استفاده قرار دهد و دیکتر نمی خواهد و نمیتواند مخالفت بورژوازی سنتی را با برنامه اقتصادی خود تحمل نماید زیرا بورژوازی



موضوعگیر تمامی شخصیت های درجه اول رژیم فقها و در رأس آنها خود خمینی بر روی سرکوب حزب و روشگسته توده بیانگر مشتاقان است که فقهای حکومتی در ایجاد زمینه مناسب برای کنار زدن مقاومت بورژوازی سنتی و پیشبرد برنامه های اقتصادی خود دارند و ایمن بیانگر مشتاقان بیانگر ترس حکومت فاشیستی از مقاومت درخشان و طولانی انقلابی است که نصیخ خواهد به سکون گزیند و بالعکس تلاش میکند که یکبار دیگر اوج گیرد، زیرا پس از آن حساب سرکوب فاشیستی نه تنها هنوز انقلاب در برابر رژیم فقهای حکومتی مقاومت میکند بلکه این بار طبقه ای که بطور متمسک و در رأس هر سه طبقات محور اصلی مقاومت انقلاب در این دوران است و طبقه کارگر میباشد و شرح چند که مبارزات کارگران در کارخانجات بطور پراکنده و مفرد و بشکل نبرد های کوتاه مدت جریان دارد اما وحشت حکومت از آن است که تعدادم بحران اقتصادی و افزایش باز هم بیشتر فلا کمت اقتصاد و موجبات تشدید باز هم بیشتر مبارزه طبقاتی را فراهم سازد و در نتیجه این جویبارها بهم پیوندند و به سیلاب مبدل گردند. از اینروست که فقهای حکومتی بمعیان من بینند که اگر همین از این در برابر مقاومت

سنتی (بطور اخرتجار بازار) هم با اصلاحات ارتجاعی بوروکراتیک آنان شیرینی که بهر حال سرد آوری میری ناپذیر سرمایه داری تجاری و زمینهای زروعی و مسکونی آنها را در حد معینی محدود و کنترل میکند و مخالفانند و هم سرمایه بورژوازی سنتی را نمیخواهند تابع سرمایه صنعتی گردانند. در چنین شرایطی است که رژیم فقها با سرکوب فرمیستیم راه را برای خنثی کردن مقاومت بورژوازی سنتی هموار میسازد زیرا همانطور که نخست وزیر در برابر سوئال یک خبرنگار که پرسید « برون سال گذشته انجام بعضی برنامه های زیر بنایی دولت از طرف بعضی ناآگاهان و مضرزمین گواش به چه تمبیر میبند " پاسخ گفت " حزب توده با ظاهر مترقیانه ای که در سطح کشور میگرفت به هر برنامه ای که میتوانست به نفع مستضعفان باشد ضربه میزد و ... بدیس ترتیب تحت عنوان اینکه این نوع برنامه ها برنامه ایست چپ زده که بوی سوسیالیستی و مارکسیستی هزان میاید میتوانست آن برنامه ها را تخطئه کند بنا بر این تمرکز دستگاههای تبلیغاتی و اطلاعاتی رژیم در این مقطع نیز

هرگز بر اهرام الیسم جهانی بسروردگی امپریالیسم آمریکا

رزیم فائز بیسنی
 پرواز سنی مدارا نماید و شیشه عمر خود را
 به مخاطره میاندازد و این راز حکومت فاشیستی
 است که با طرح شعار امنیت برای سرمایه -
 داران و شیرینی برای مستضعفان و راه -
 اندازی اقتصاد سرمایه داری وابسته را همراه
 با فرم ای ارتجاعی بوروکراتیک بطور جدی بر
 دستور کار قرار داده و مصمم به اجرای آن
 است . علاوه بر این راز مانور " سفارت دوم "
 و برجسته کردن شعار " نه شرقی " است که
 قلمهای حکومتی از حرم " مالکیت منروغ " را
 میخوانند به اوج تازه ای برسانند تا بدین
 تیب به پرواز ای اطمینان دهند که با زوی
 سرکوب حکومت فاشیستی در تأمین امنیت
 سرمایه نیز با قاطعیت و قدرت هر چه تطمتر
 بکار خوانند افتاد . اگر در گذشته کنار زدن
 اصلاح طلبان ارتجاعی که درباره حدود
 " مالکیت منروغ " چون و چرا میکردند بعنوان
 نام نخست برای تأمین امنیت سرمایه لازم
 بوده اکنون برای تحکیم این گام سرکوب
 فرمیستها و برجسته کردن شعار " شرقی "
 صورت حیاتی مییابد . همچنین شعار " نه -
 شرقی " علاوه بر مشروعیت بخشیدن به سرمایه
 داخلی بمعنای اطمینان به سرمایه جهانی
 است که ایران همچنان به نایب حلقهای از -

تجزیره سرمایه جهانی باقی خواهد ماند
 ناشی رفسنجانی در خطبه نماز جمعه
 خطاب به آمریکائیا و غربیها چنین میگوید
 " آمریکائیا بدانند غربیها همه بدانند ما
 بطور کلی سیاستان در دنیا اینست کشور
 عایی که بخواهند با ما رابطه صحیحی
 داشته باشند و دخالت در امور ما نکنند
 احترام به انقلاب ما بگذارند و مبادلات صحیح
 داشته باشند حال این چه غریبی باشد چه
 شرقی ، ما میتوانیم با آنها رابطه داشته
 باشیم " اما واقعیت اینست که وقتی سرمایه
 داری وابسته ایران بشیوه فاشیستی بازسازی
 میشود ایران باز همچنان بعنوان حلقه ای
 از سیستم جهانی سرمایه داری باقی خواهد
 ماند هر چند با هیشی جدید و " نه شرقی
 هیچ مصداق دیگری جز " آری غریبی " که
 چهره اس بزرگ شده پیدا نمیکند . و ای -
 حقیقت را کشورهای امپریالیستی بخوبی درک
 میکنند و ناشی رفسنجانی هم در جملات
 فوق بطور دیپلماتیک بر استیباط آنها مهر
 تا " بید میکند .
 اما چرا حکومت فاشیستی ناگهان تا ای -
 حد از قهرمانی ! خود در سرکوب حزب
 و شکسته توده به وجد آمده و تا این حد
 از زبونی و سرباز فرومایه این حزب پرچم



ورشکسته توده سرنوشت ننگین خود رانه امروز بلکه از روز نخست و از طریق انتخاب مشی همواره تسلیم طلبانه اش با روشنی تمام رقم زده بود. اما حکومت فاشیستی با برجسته کردن ندامت و بالاتر از آن پست و فرومایگی حزب توده، اولاً میخواهد چهار سال مقاومت درخشان انقلاب که توسط انقلاب بیرون و کمونیست‌ها را ستین میهن ما و کارگران و زحمتکشان ما صورت گرفته است سرور گذارد. حکومت فاشیستی مقاومت شکوهمند هزاران ششزار رزنده انقلابی و کمونیست را که زیر فشار شکنجه و جوخه شای تیر باران و شرافت‌زدانه مقاومت کرده و تا پای جان اسرار انقلاب و اعتقاد راسخ خود به آرمانهای والا و کارگران و زحمتکشان میهن ما را در سینه پر شور خود حفظ کرده اند با توطئه سکوت و مسکوت میکند و اجازه نمیدهد که اخبار آن از فراز دیوارهای سیاه زندانهای فقههای حاکمیتی عبور کند و عطر قهرمانی و فداکاری و ایمان را بر فضا میهن آسیر ما بپراکند اما علاوه بر این و بیشتر از آن رژیم فاشیستی از قهرمانیهای آینده در شراس است. از فقههای حکومتی اکنون شاهد آنند که پسران چهار سال مقاومت انقلاب و اکنون طبقه و اینکه در رأس مقاومت انقلاب قرار گرفتند طبقه کارگران ایران میبایند از این روز که آنها

سفید احساس بر غرور میکنند. آنچه مسلم است - سستی و فرومایگی رنجبوری حزب بورژوازی توده تضاد فو نمیباشد بلکه ادامه و نتیجه ناگزیر مشی سیاسی تسلیم طلبانه آن در برابر فقههای حکومتی است. حزب ورشکسته توده چهار سال با حرارت تمام تسلیم طلبی در برابر فقههای حکومتی را موعظه کرده بود. چهار سال بدون ذره ای احساس انسانی نسبت به مقاومت کمونیستها و انقلاب بیرون و دفاع قهرمانانه تشکک نهای کارگری و توده ای از دستاوردهای انقلاب در برابر سرکوب عربان و فاشیستی حکومت فقهی به مداحی فاشیستهای سرکوبگر پرداخته بود و حکومت فاشیستی را انقلابی و ترقیخواه خوانده بود. بنابراین با این کارنامه سه ساله در این چهار سال مقاومت انقلاب که زحمت و زیبایی در هر سان آن به اندازه سالها تراکم میابد این حزب پرچم سفید با کدام شور و احساس نسبت به کارگران و زحمتکشان و با کدام اعتقاد به مقاومت انقلابی میتواندست در برابر خواست حکومتی مقاومت نماید و راز یایان یافتنی آخرین قطرات مقاومت عناصر خاشی چون عموی ها و شلتوکی ها در برابر بورژوازی در همین مطالب و یعنی سرعت سقوط فرصت طلبان در دوران انقلاب و نهفته است. در واقع حزب

رزیم فاشیستی . . .

امروزه بین از عر زمان دیگر خطر رخ پرولتاریه ای انقلابی را در افق انقلابی آینده ایران احساس میکنند آنها از کابوس روزیکه پرولتاریای ایران با ایدئولوژی راستین خود که مارکسیسم لنینیسم است، مسلح شود و تمامی زحمتکشان را حول صنعتی کردن ایران که نفع کارگران و زحمتکشان است متحد گرداند، یک لحظه نمیتواند خود را خلاص نماید . رزیم فقیها و حزب ورشکسته توده که ذره ای اعتقاد به سوسیالیسم نداشته، را از آنرو نمایندگه کمونیسم معرفی میکند و با شکست آن شکست مارکسیسم را نیز مینماید که با این تردست ابلهانه میخواهد پرولتاریای ایران را از مسلح شدن به ایدئولوژی واقعی خود و از مسافحتی و اثر آن با حکومت فاشیستی بخاطر پیروزی برنامه حد اقل پرولتاریا که آزادی ماستقلال حکومت شورائی را برای تمامی زحمتکشان به ارمان می آورد و با قدرت شوراها ایران صنعتی را برپا میسازد و فقر و فلاکت و بیکاری را بران همیشه در این سرزمین ریشه کن میسازد، و مصرف سازد . آری فاشیسم که بدترین فقر و بدترین رنج و درت و جنگ و مرگ را میخوردد بر میهن ما حاکم سازد، کینه توزانه با این برنامه مخالفت

میورزد . رضائی فرمانده سپاه پاسداران در صاحبیه اخیر چنین گفت : ما تبلیغات گسترده غرب را به تباهی کتابندیم و با مارکس بین از غریبها ضدیت داریم . آری فرمانده سپاه فاشیستی فقهای حکومتی ادعا دارد که نه تنها از رزیم آمریکائی شاه بلکه از خود آمریکا نیز ضد کمونیست تراست و البته کارگران و زحمتکشان میهن ما نیز هر روز بین از بین آگاه میگردند که رزیم فاشیستی کمونی ضد مردمی تر و ضد انقلابی تر است، زیرا بشیوه فاشیستی که بسی ددمنشانه تر از شیوه رزیم آمریکا اثر شاه است قصد دارد مضاعفات سرمایه داری و استعمار سازمان دهد . درست در رابطه با همین ضد کمونیست تر بودن و در نتیجه ضد انقلابی تر بودن حکومت فاشیستی ایران است که این حکومت پیروزی بر حزب ورشکسته توده را با خام خیالی پیروزی بر مارکسیسم معرفی میکند تا بدین ترتیب از کابوس رزیم آینده کارگران و زحمتکشان که تحت رهبری طبقه کارگر ایران صورت خواهد گرفت، خود را خلاص نماید . همچنین رزیم فاشیستی فقها که بن بست سیاسی و فرمیسم را بن بست مارکسیسم جلوه میدهد، درک دیاساتیکه حزب توده از دمبستگی احزاب برادر را نیز بظایه انترناسیونالیسم پرولتاری معرفی میکند و نتیجه بگیرد که دمبستگی احزاب برادر را

حوزه را اثر امکانات داشت از حکومت ضد انقلابی فقها بدست آورد تا این اطلاعات را در خدمت برنامه مبارزاتی خود با حکومت فاشیستی قرار دهند. اگر رژیم فقها سازمان اطلاعات درست میکند که مانند همه سازمان های اطلاعاتی پرزوازی مبتنی بر جناح است بارانه ترین روتنهای شکجه واعمان فشار است و چگونه بخود اجازه میدعد طبقه کارگر را از کسب اطلاعات بر حذر دارد.

پرولتاریا نیکه متناسب با هدفهای تاریخی - انقلابی خود فقط و فقط به روشهای انسانی متوسس میشود. و این چه چیز جز فریبکاری و کارانه فقهای فاشیست میتواند باشد؟

اما در این مورد نیز بررسی عمکرد خاص حزب توده در کار دشمنی و فریبستی آنها و نیز در دیپلماتیا این حزب ورنکسته از رابطه میان احزاب برادر قرار میگیرد. اما رژیم فقها میخواهند با تکیه بر یستی و غیران حزب ورنکسته توده و کسب اطلاع انقلابی طبقه کارگر را برای رننائی وحدت و عمکاری برادرانه احزاب کمونیستی و که تاریخ مپسر تأیید استواری بر آن زده است و مورد سوال قرار دهند. طبقه کارگر قهرمان و مقاوم - ایران با سازاندگی توده ونا برای انقلاب و طرد و فریبیم خیانت بار از صفوف توده ها بد رژیم فاشیستی جناب دندان شکن خواهد

نظر کمونیستها بمعنای جاسوسی برای اتحاد شوروی است و اما کمونیستهای واقعی نمیشوند در تئوری بلکه در عمل نیز ندان داده اند که کمونیستها دارای عالیترین روحیه میهن پرستی بوده و خوانمان آزادی واقعی مردم زحمتکش خود از قید ستم مرتجعین داخلی و ستم سرمایه جهانی هستند. تصادف نیست که رنبران احزاب کمونیست در جوامع آزاد شده از زنجیره امپریالیسم و قهرمانان ملی کشور خویش نیز محسوب میشوند. لنیس کبیر و رنبران قهرمان ویتنام و عوشی مین - بزرگ و فیلدین کاسترو و دینور غیران ملی در کشورهای که طبقه کارگر به قدرت رسید است دلیل این مدعا است. عمیستی احزاب کمونیست بر اساس همبستگی پرولتاریای همه کشورهای در امر ملج و آزادی و رننائی ملی و سوسیالیسم است. طبیعی است که این نوع همبستگی بلحاظ اصولی با تاکتیک نفوذ یک حزب در احزاب دیگر که تنها مابیس - احزابی که متعلق به طبقات متخاص اجتماعی هستند و میتواند مجاز باشد و کاملاً مخایر و متناقض است. در رابطه با مسئله کسب اطلاعات از ارگانهای رژیم فاشیستی طبقه کارگر سازمان کتیبیستی خود را بلحاظ اصولی باز میداند که هر نوع اطلاعات در هر -

مجلس ضعیف‌تر است
 مهم در میان "بالائینها" نقطه عطفی در
 حرکت‌های فقهای حکومتگر در رابطه با آرایشی
 جدید نیروهای رژیم خود و حل تناقضات
 درونی آن در روند تثبیت سیاسی است .
 شناخت تمامی این فعل و انفعالات و -
 تحلیل علمی و دقیق این مراحل برای ما واجد
 اهمیت بسیار است چرا که رژیم پرشکوه پرولتاریا -
 ریابراد پیشبرد امر طبقاتی خود و سایر
 زحمتکشان و پیروز گردانیدن انقلاب دموکراتیک
 توده‌ای در این مقطع تاریخی و جنگی است
 سه - آن‌به‌آن تمامی مراحل آن قانونمند بوده و
 زمینه اساسی آن بر تشکل خود و بسیج سرچشمه
 بیشتر زحمتکشان و حمله به رژیم حامی و ننگ -
 دارنده بنیانهای استثمار سرمایه با استفاده
 از حد اکثر نقاط ضعف دشمن بر این اساس
 پرولتاریا به تمامی رخداد های اجتماعی و
 سیاسی با دیدی جدی و طبقاتی نگریسته
 و مسائل را از این زاویه بررسی مینماید که
 چگونه از آنها برفع بسیج سرچشمه بیشتر -
 اردوی خود و ایجاد تشمت و پراکندگی در
 اردوی حریف و لاجرم برفع جنبش خود استفاده
 نماید . موضع پرولتری دقیقاً بر عکس مواضع
 لیبرالیستی قدرگرایانه می‌باشد . اینگونه

مواضع چون سرنوشت رژیم را سقوط محتمل آن
 می‌انگارند و در برخورد با رخداد سایک
 موضع فعال دست پیدا نکرده بلکه آنها را -
 نمایش و خیمه شب بازی و از این دست ارز -
 یابی میکنند و از آنها نتایج عطفی برای پیشبرد
 مبارزه خود بدست نمی‌آورند . اساساً چون
 در مبارزه آنها با رژیم فقهای فاشیست توده -
 ها نقش و جایگاه درجه اول ندارند نیاز به
 کسب نتایج عطفی برای سازمانگری توده‌ای
 نخواهند داشت . حد اکثر نتایجی که از
 بررسی این پدیده ها بدست می‌آورند یک
 رهنمود نا متناسب با شرایط مبارزه برای -
 توده‌هاست . علیرغم هو و جنجالهای دائمی و
 خصوصیت همیشگی شان یعنی چشم امید
 داشتن به عقل از بالا بروز نموده و بدعوت از
 بخشها و عناصری از بالایی ها مبنی بر تن
 ندادن به اراده جناح مسلط حکومت و احیاناً
 پیوستن به آنها ، می‌انجامد . نمونه برجسته
 چنین برخوردی را در رابطه با مجلس -
 خبرگان ، جابجایی بین خلق بنامین گذاشتند .
 مجلس خبرگان که وظیفه تعیین ولی فقیه
 دوم را دارد تنها بعنوان خلقه‌ای از حلقه
 زنجیره‌ای تلاشها و کشاکشهای فقهای -



استبداد فاشیستی، با قدرت شورائی نابود باید کرد .

حکومتگر در مسیر راه پیمایی طولانی و مشقت -
 بارشان باز بعد از قیام تا به امروز در جهت
 پیش بردن برنامه خدمتی آنها قابل درک است
 وقتی از برنامه حکومتی فقهای فاشیست سخن
 میگوئیم یاره ای از نیروهای که با توهم لیبرالی
 برنامه نداشتن خود را به رژیم فقها نسبت
 میدهند با تعجب و لبخندی عالمتابه به منا
 نگریسته و ترجیح بند همیشگی شان را سر
 میدهند که آخوند ها نمیتوانند حکومت کنند و
 برنامه داشته باشند ! پرولتاریای مسلح به
 ایدئولوژی طبقاتی خود یعنی مارکسیسم -
 لنینیسم و قدرت و راه رسیدن به قدرت حکومتی
 را بخوبی میشناسند و نقش برنامه در تمامی
 اجی جهات را پنبابه حربه اساسی خود و -
 دشمنان طبقاتی خود مد نظر دارند . فقهای
 حکومتگر واجد مستمه اساسی برنامه ای در
 رابطه با کسب قدرت سیاسی و حفظ آن بوده
 و هستند و آن استقرار نظام ولایت فقیه است
 که خمینی و فقهای پیرو او سالهای طولانی
 یا در حیات کم و زیاد آن را دنبال رده و
 لا اقل در یک سال آخر حکومت شاه مصر تر
 از تمر نیروی سیاسی دیگری امکانات دست -
 یابی به حکومت را شناخته و پی گرفتند . و
 چنین بود که مجموع نبوغ رسی ایران توسط
 بلاغت حسین " آخوند ها " داغ ننگ خورد .
 از سون دیگر حکومت خود بزرگترین آموزگار

حکومتگران است و در تمامی تند پیچها و اثر
 مصر به حفظ و ادامه آن باشند ، به خصوصیات
 لازم جهت برخورد با مشکلات دست خوانند
 یافت .
 اما برنامه استقرار - کومت " ولایت فقیه "
 میباید در جامعه سرپایه داری وابسته بحران -
 زده و طوفانی ایران بیا شود . این حکومت
 بنا بر مانعیت و خصوصیت آن چون نصی خواست
 ونس ترانست قدمی در راه پیش بردن مناسبات
 سبب حاکم بر جامعه ایران بردارد لاجرم
 باید مناسبات - اکم موجود را که بچندان آورده
 بود ، حفظ و باز سازی کنند تا قادر باداده
 حکومت باشد . اما خصوصیات ویژه حکومتگران
 (ارزشهای " موعی ") و ترکیب نیروهای -
 اجتماعی حقایق فقها و طوفان انقلاب و بهم
 ریختگی سازمان و تعادل طبقاتی ناشی از
 قیام بهمین امکان باز سازی مناسبات سرمایه -
 داری به شیوه محمول را نمیدد .
 البته سرمایه دار بنبابه یک طبقه نیرومند حکومت
 گر خسوسا در عرصه سیاست امثال آن را که
 بتوان کشتی طروران زده سرمایه داری ایران
 را از طریق برخورد سستیم با امواج بحران
 مهار نمود بنبایت ضعیف میگردد و راه مهار
 را از طریق سوار بر امواج انقلاب شدن و باز
 سازی مناسبات از طریق غیر محمول را پیش

جلس خبرگان...

میآورد (۱) • شانس در پیس گرفتن چنین مسیری دقیقاً به این علت مطرح میشود که طبق اصل که قادر است دگرگونی انقلابی را در دنا سبک مسلط سرمایه داری پیس آورد و یعنی طبقه کارگر باز توانایی طبقاتی و سازماندهی مناسب برای اجرای این رسالت خود بدو برسد • در بستر چنین شرایطی است که فقهای فاشیست برنامه استقرار نظام ولایت فقیه و بازسازی غیر معمول سرمایه داری وابسته ایران را در پیش گرفته و پیش ببرند • نیروی اجتماعی که ضرورت و امکان اجرایی چنین برنامه‌ای را برای رژیم فقهی بیشتر میآورد همان توده کثیر العدد حاشیه تولید ایران است • یعنی خرده بهره‌روزی سنتی شهری خانه خراب و دیده‌های نامتانی گداه شده از زمین و تولید کشاورزی و جذب نشده در سیستم اقتصاد سرمایه داری وابسته ایران (۲) • این توده حاشیه تولید به لحاظ شیوه زندگی و منابع و فرهنگ و وضعیت نا - پایدار و راکنده‌ای در تولید و توزیع جامعه دارند و شیوه‌گونه پیوند ملی و شیوه‌گونه سازمانی سیاسی بوجود نمیآورند • بنابراین نمیتوانند خود از منابع خود بنام خود دفاع نمایند • دیگران آنها را نمایندگی کرده و بعنوان قدرتی مافوق و "آقا"ی آنها برایشان فرمان

رانده و در مقابل سایر طبقات محافظتشان میکند • چنین بود که آنها بدلیل وجود پیوند تعلق دراز مدت سنتی و قرابت فرهنگی و ایدئولوژیک و انعکاس برابری طبقاتی تاریخ‌گزیز و ارتجاعی شان در شعارهای جنبش اسلامی به فقهای حکومتگر بدایه دم دستترین نماینده پناهنده شده‌اند • فقها نیز با درک نقش و اهمیت این توده حاشیه تولید در فرایند ممکن‌گیری انقلاب و مراحلی بعد از آن در - جامعه طرقاتی ایران باز آنها به‌نایب قلمه کوبی در مبارزه با شرکا و رقبای خود و در - مقابله با جنبش بالنده طبقه کارگر سه استاده نمودند است •

رژیم در مزاحمت منخصر کنونی و در منطق مجلس خبرگان در باره بیشتر برنامه خود - مصر است • بدون بهره‌برداری و جایگزین در - درون خود و به اراده لازم جهت پیش بردن برنامه دست نخرانند یاغت - این بهره‌برداری جایگزینی را در مورد نزدیک‌ترین یار تعلق خود یعنی جناح طرفداران بورژوازی سنتی بسط میآورد • فقهای حکومتگر برای دست - یابی به اراده لازم جهت مقابله با بحران - اقتصادی و سیاسی و مجبور به بیرون‌گداردن جناح بورژوازی سنتی و یا لااقل تسلیم کامل آن هیاشند • این عرص را در زمانی که



بیشترین بزرگهای برنده را در دست نبرند - انجام میدهند . مقاومت جناح بورژوازی سنتی (روحانیون و کسانی که دارای بیشترین پیوند با تجار و پیشه وران و صاحبان حرفه عائی که در دوران ماقبل سرمایه داری شکل گرفته اند بوده و اساسا خواستار تجارت آزاد و حداقل دخالت دولت در اقتصاد و فعالیت نامشروط بخش خصوصی و رعایت اکید احکام و موازین شرعی هستند) درون رژیم دریا نئیز ۶۱ در بالاترین حد خود بود و این راز - عدم تمایز فقهای حکومتگر در برپا کردن - مجلس خبرگان در آنزمان میباشد . بررسی موقعیت فقهای حکومتگر و رابطه آنها بجا بورژوازی سنتی نیاز به نگاهی هر چند کوتاه به سابقه این رابطه دارد . از میان سه جریان درون شورای انقلاب یعنی بازرگان (نماینده احزاب سنتی بورژوازی جدید و طرفدار راه اندازی اقتصاد سرمایه داری به شیوه معمول با بکار گیری ارگانهای سنتی ماشین دولتی) ، بنی صدر (نماینده - تدارکاتانیسم سیاسی روشنفکران مذهبی و طرفدار اقتصاد سرمایه داری دولتی نماینده باز سازی سرمایه داری به شیوه استثنایی) و فقهای حکومتگر (مذهبی و بهستی و بنسجانی و خانهای و ۰۰۰ که دستبالاتر داشتند و خمینی بعنوان نانون اصلی

قدرت دارای بیشترین پیوند با آنان بود) بورژوازی سنتی بعلمت رابطه ریشه دار با روحانیت بیشترین پیوند را با فقهای حکومتگر داشت . آنان با اتفاق خرده بورژوازی سنتی بصورت سازبانگران عزمونی و رنبریری فقها در میان " توده حاشیه تولید " عمل مینمودند . این لایه بنا بعلمت پیوند سنتی با روحانیت و محفوظ ماندن در برابر سایر طبقات زیرتر روحانیت گرد آمده ، فقها بعنوان نماینده آنها در میایند ، ولی آنها قادر به اعمال اراده خود بر رژیم فقها نبوده و نیستند . بعد از حذف باررگان و در مقطع عقاباه با برآمد جنبش توده ان تحت لوای " مردم بر امریکا " و اشغال سفارت ، تضاد بین فقها و بنی صدر رو بشدت گذاشت . در این مقطع فقها با استناد و اتکا به بخش اصلاح طلب خرده بورژوازی سنتی (خوئینی ها ، دانشجویان خط امام و ۰۰) و فعان کردن توده حاشیه تولید موفق به مقابله با برآمد جنبش توده ای شدند . چنین شیوه برخوردی بعلمت استفاده بین از حد از حرکت توده های حمایتی و درسم ریختگی اوضاع مورد پسند بورژوازی سنتی نبود . لذا بورژوازی سنتی در این دور امید خود را در بنی صدر و سرچند او هم بشیوه غیر معمول عمل مینمود . یافتند . تضاد بالا آنها " بعد



مجلس خبرگان

از يك افت موقت در ابتدای جنگ پندت اوج
 میگذرفت . جنبر توده ای همراه با آن پدید شد
 خود ادامه داده مجدداً از اواخر سال ۵۹
 خیزش جدید آن آغاز گردید و در بهار ۶۰ به
 ایجاد بیسابقه دست یافت . سرکوب خشونت
 بار برآمد انقلابی در دستور کار فقها قرار -
 داشت و اما فقدان اراده یکپارچه در درون
 رژیم باعث وجود بنی صدر مانع این امر بود .
 برای حذف بنی صدر میباید بورژوازی سنتسی
 را مکه از زمار سفارت برای یا دور جذب -
 بنی صدر سده بوده از او جدا نمود . فقها
 موانع جذب بورژوازی سنتسی را با به کنترل در -
 آوردن شدید اصلاح طلبان و کاهش همه
 جانبه نمود آنها (توقف بند "ج" و "بیث -
 اعتف نثره و ۰۰۰) و تضمین مالکیت محترم و
 مرفه مرتفع نمودند . به برکت این - دست و
 پیوسن بورژوازی سنتی و فقها برنامه سرکوب
 بواسطه انقلاب بهار ۶۰ را پیش بردند و بورژوازی
 سنتی امتیازات بیشتری بدست آورد (نمودن
 کابینه ر نفوذ بیشتر در شورای نگهبان) .
 جذب در تمامی دوران بعد از تابستان ۶۰
 بدست افت و خیز ادامه داشته و چون چاه
 ویل بخش اعظم امکانات اقتصادی رژیم راهی -
 بسید . از سوی دیگر با رشد تنفر و انزجار
 توده ها از جنگ و پیش رفتن برنامه های

جنگی رژیم و بحرانی شدن روز افزون زندگی
 فلاکت بار توده ها و تعیین تکلیف قطعی با -
 بحران اقتصادی و راه اندازی چرخهای گسده
 و زند زده اقتصاد سرمایه داری را ضروری -
 میساخت . جهت اساسی برنامه فقها و کم -
 توسط کابینه در شورای عالی تعیین زیر ساخت
 اقتصادی ایران طراحی میشد و مبنی بر اقتصاد
 متمرکز دولتی و راه اندازی صنایع میباشد . در
 راه پیشبرد چنین برنامه ای رژیم فقها با مقاومت
 بورژوازی سنتی که خط اقتصاد متمرکز دولتی
 و صنعت را در مسیر منافع خود نمییند مواجه
 بوده است و در سال ۶۱ قادر به اجرای این
 برنامه نشد و آخرین مساحبه موسوی نخست وزیر
 در اواخر اسفند ۶۱ بیانگر چنین وضعی بود:
 ضعیف رژیم فقها در غلبه بر مقاومت بورژوازی -
 سنتی علاوه بر مشکلات نامبرده شده در بالا
 وجه دیگری نیز داشت و آن نمان بودن نسیم
 اصلاح طلبان درون رژیم و حضور فعال نسیم
 نمانی مانند حزب توده بدستوان مبلغ اصلاحات
 و برنامه فقها بود . چنین ترکیبی از نسیم روها:
 طرفدار برنامه فقها و زمینه مهتم شدن بس
 سوسیالیستی و گرایش به شرق را فراهم مینماید
 در چنین اوضاع و احوالی بود که مسئله
 مجلس خبرگان و انتخابات آن در پائیز ۶۱
 مطرح گردید و بورژوازی سنتی باعث نقطه



ضمیمه‌های فقهای حکومتگر در آن مقطع و شانسی
 امتیاز خواهی بیشتر مبرانه خواهان تشکیلی و
 آغاز بهار مجلس خیرگان بود. فقهای حکومتگر
 درست بهمین دلیل چون شرایط را ناملائم
 سب برای کار مجلس خیرگان و تعیین فقیسه
 دومی که مناسب‌ترین چهره برای ادامه دادن
 خدمت فقیه اول (یعنی منتظری) تمیید نکرده‌اند
 شروع فعالیت خیرگان بدنبال فرجه زمانی
 بودند که از یاسر یا برطرف کردن ضمیمه‌های
 درونی خود و غلبه بر پاره‌ان مشکلات برنامه
 ای تدارک حذف بررروازی ستور را دیده و
 با دست باز تر به تعیین فقیه دوم اید هال
 و کسب اراده واحد جهت ورود به عرصه نبود
 با پحرار اقتصاد کردند. باین منظور اول
 بازماندگان اصلاح طلبان را که دایره نما
 لیثشان عمدتاً محدود به دادگاههای ریژه
 امور سعی گردیده بود را برکنار و پراکندند
 و سراغ حزب توده را گرفته و بسرکوب و قلع و
 قمع آن پرداختند. بیچاره زرمیستهای زیرین
 سرچند که از مدتی قبل از آن بیری خون
 به مسامان خورده بود بعلت عدم قابلیت
 انقلابی و ولایتی و کزختی لیبرالیشان تماماً
 بتور افتادند و توسط "خط امام" محبوبشان
 به مسلخ برده شدند. اگر در زمان دستگیری
 توده ایها هنوز اوضاع بررشنو امروز در معرض
 دید زرمیستها نبود و آنها این سرکوب را
 کار "راستراسا و حجتیه سیازده" اعلام

میکردند امروز دیگر بعد از تخمیرات درون
 شرای نگهبان که به تسلط فقهای حکومتگر
 درآمده و بپیرن گذاردن عناصر وابسته به
 بررروازی سنتی از کابینه (توکلی، عسکراولاکی)
 روشن است که این بلا را همان "ضدلیریا"
 لیست بنا و پیروان صدیق "خط امام"
 محبوبشان بر سر آنها نازل کرده و همچنان
 در صدند همان برنامه سبای اصلاحی را
 نه زرمیستها آن همه برایش دیده بیاک می
 کردند پس گیند (موضع گیری اخیر موسوی
 در قبال تروریستهای اقتصادی و کنترل تجارت
 و توزیع و نقد خمینو در دیدار با استاندار
 ان اعلام حکومت محرومین و حمله به اشراف و
 زمینداران همان خطی است که توشم می
 "زمانست به کام" را بران زرمیستها بوجوب
 میاورد). بازماندگان توده ای را دیوملی
 کماکان این وقایع را ناشی از ابتکار عسلی
 راستگرایان و سازسارکناران (یعنی خط
 امامی بنا) میدانند کدوننی تاریخی زرمیست
 ترانایر دیدن کار هاداردن همان "راستد
 گرایان و حجتیه سبای سیازده" را از مراکز
 قدرت ^{بسیار} ~~کماکان~~ ^{بسیار} ~~آین~~ متد در تحلیل ماهیت
 برنامه فقهای حکومتگر که در رابطه با بررروازی
 و موضع گیری آنی نسبت به آن استوار است بر
 این مبنا حرکت میکند که "هر که با دشمن من
 درگیر است دوست من است" و متدی —

مجلس خبرگان

پرولیسی هست و نه یک متد اثباتی و ...
 مارکسیستی که بر اساس "هرکس مسووسا
 مواضع و برنامه پرولتاریاست و به پیسبرد برنامه
 آن تک میرساند دولت او و لاجرم انقلابی
 است" استوار است . متد تحلیلی
 پرولیسی در رابطه با حکومت فقها را ما در
 میان نیروها: اردوی انقلاب نیز شاهد بوده
 و هستیم . مقوله "ارگان سازن" که از تحلیل
 فقهای حکومتگر بعنوان نیروی خرد ه بورژوازی
 حرمت کرده و ضد انقلابی شدنش را ناشی از
 سازن با جناح بورژوازی میبیند ، بر اساس
 چنین متدی است . اکنون که روشن شده که
 این جناح باطل خرد ه بورژوازی چیکدام
 از نمایندگان اردگانیک بورژوازی را تحمل
 نمینماید بر چه مبنایی ضد انقلابی میگردد ؟
 ثانیاً برای برطرف نمودن نقطه ضعفهای
 عملی خود مانند شکستهای مکرر در جنگ و
 بعد از یک دوره تدارک نیرو بیبیمه غای تازه
 جنگ (الفجر ۲ و ۳) و با پیشروی در آن
 که بلحاظ تظمی امکان آن نسبت به بیبیمه
 جنوب بیشتر بود ، به تحکیم موضع سیاسی
 عملی خود در درون دست زدند . با وضع
 این ضعفها مقاومت بورژوازی سنتی را کاهش
 داده و امتیاز خرابی او را کند نمودند .
 بدینسان زمینه کار و نتیجه گیری از مجلس

خبرگان بر اساس خط فقیه اول "نسبت به
 موقعیت یائیز ۱۱" مهیاتر گردیده است لذا
 آن را برپا میکنند . فقهای حکومتگر با تسلط
 بدیست رئیسه مجلس خبرگان را در اختیار می-
 گیرند (مشکینی ، رفسنجانی ، طاهری خرم-
 آبادی) و آذری قمی از روحانیونی که بیشترین
 پیوند را با بورژوازی سنتی دارند و با اختلاف
 زیادی رقابت برای ریاست خبرگان را باخت .
 اما جریان کار خبرگان با سرعت لازم و مناسب
 پیش نمیرود و بجایی رسیده که برای حل
 مسئله آئین نگه داخلی آن و نحوه تدوین
 آئین نامه اجرائی ماده ۱۱۱ قانون اساسی
 (مربوط به عزل ولی فقیه) ناچار به مراجعه و
 سوال از شورای نگهبان گردیده اند . فشار
 به بورژوازی سنتی در جهت تسلیم و تدنیه
 آنها مقاومت منفی از جانب آنان را بصورت -
 استسفا برخی وزرا از کابینه باعث گردید است
 این مسائل نشانه ادامه تناقضات مهم وضع
 درونی رژیم است - در میان "یائینیها" -
 توده انقلابی و در راس آنان طبقه کارگر -
 غلیانهای تازه بچشم میخورد - روزی نیست که
 خبر از اعتراض طبقه کارگر قهرمان در کارخانه
 و محلات نرسد . در این مقصع حماس باید
 قبل از آنکه رژیم به اراده سیاسی لازم جهت
 برخورد و سازمان دادن ارتجاعی بوروکرات



زندگی جامعه دیت یابد ، از یکسو با گسترش
 خواست صلح طلبی توده ها مانع پیشبرد -
 برنامه جنگی رژیم و تسدید تناقضات درونی این
 گردید ، و از سوی دیگر با استفاده از ضعف
 او در برخورد با بحران اقتصادی ، حداکثر
 ضربات کاری را در جهت فلج ساختن و -
 سرنگونی او وارد کرد . این تاکتیک ، از راه -
 بسیج توده ها حول خواست صلح طلبی عادلانه
 نه و شعارهای مبهم آنان برای رفع تنگنای
 زندگی فلاکتبارشان امکانپذیر است . در این
 راه تنها برنامه پرولتاریا برای انقلاب دموی-
 کراتیک پرولتاریائی و سرنگونی رژیم فقهی یعنی
 برنامه " سمت گیری سوسیالیستور و حکومت
 شورائی " تولن چنین سازمانگری را دارد .
 شعارهای اساسی این برنامه برای تاکتیک
 این مقطع "مانا " صلح دموکراتیک بدون -
 الحاق دلبلیو ، تنها توسط حکومت شورائی انفا
 امکان پذیر است " و " تنظیم انقلابی -
 دموکراتیک ، تولید و توزیع منفع کارگران و زحمتد-
 کشان تنها توسط حکومت شورائی امکانپذیر
 است " میباشد . چنین برنامه ای در مقطع
 تاریخی خاص جامعه بیشترین فرصت برای
 پیروزی و پیروز گردیدن را دارد . رژیم
 فقهی که امروز خود را بیس از سر زمان مقتدره
 دارای ثبات و مستحکم میدانند ، دلایل توضیحات
 بالا و بدلیل قن رفتن در کام مرداب جنگند

خنده مردمی و ضد میهنی و بدلیل از دست
 دادن حمایت اکثریت روحانیت و مقاومت بازار
 بعلت برنامه حذف بورژوازی - نتر ، بین از
 هر زمان سست یایه ، متزلزل و نا استوار است
 امروز زمان بیشترین فرصت برای بقدر رسیدن
 حکومت شورائی جهت تحقق شعارهای فوق و
 بیشترین فرصت برای سازمان سیاسی طبقه
 کارگر توده ها را در مسیر تاریخی شان و
 یعنی گام برداشتن بسوی سوسیالیسم و سازش
 دند ه بساط جنایتکاری رژیم فقهی ، این
 شیولائی را که در بند بند جامعه ما بند های
 خود را گسترده است ، را در رسم پیچیده و
 به زیاله دانی تاریخ و آنجایی که رژیم پهلوی
 پرتاب شد ، روانه کند . این فرصتی است
 تاریخی که اگر از آن بهره برداری تاریخی
 نشود ، تاریخ شرکرها را نخواهد بخشید .
 بکوشیم تا ما " نس نظر کرده ، تاریخ " که
 قیام بهمن را تجربه کرده ایم در پیشگاه آن
 سرفراز باشیم .

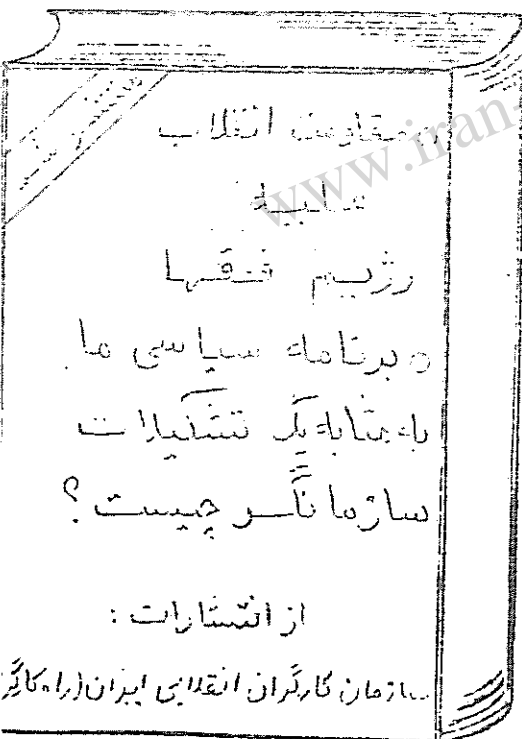
زیر نویسها :

- ① بیبرای اطلاع از کم و کیف این نوع -
 برخورد مجاهدین رهجو کنید به نشریات
 مجاهد شماره های ۱۲۹ ، ۱۳۱ ، ۱۳۹ ،
 مقالات مربوط به مجلس خبرگان و بیانیه -
 مسول شرارت ملی عقابیت در این باره .



مجلس خبرگان
 ۱) برای اطلاع بیشتر در این مورد رجوع کنید به سری کتابهای "فاشیسم کابوسی واقعیت" و جزوه "برنامه سیاسی ما بمثابة يك تشکيلات سازمانگر چیست؟" از انتشارات سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) .
 ۲) برای مطالعه بیشتر درباره "توده" حاشیه تولید" و نقشی آن رجوع کنید به جزوات "برنامه سیاسی ما . . ." و "مقاومت انقلاب علیه رژیم فضا" از انتشارات سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) .

نوعی در باره
 سوی دیگر "خلق" بدون روشن نمودن نفیوت طبقاتی آن واژه ای بیولیتستی بوده و مبارزه- از نیز بیولیتستی و سترین است . همچنین سازمان خدشگزاره طرفداره حوادثار یا طبقه کارگر نظریه یکار در راه
 روزندگان نیز نمیتواند باشد . سازمان ما و سازمانیت متعلق به خود طبقه کارگر و تشکی سیاسی پیشروترین عناصر طبقه کارگر و رهبر مبارزات طبقه کارگر ایران . از این رو نام سازمان کارگران انقلابی ایران را برانتهه سازمان خود دانستیم . ترتیب دو کلمه کارگران و انقلابی در این نام از این رو انتخاب شده است که با سازمان انقلابی سازمانی مائتریستی که از حزب توده متشعب شده و به گداب سه جهان مشروط کرد و نداشته نیاید . نام راه کارگر تا مدتی و برای شناخته شدن نام سازمان در داخل پراقتز ویدر از نام سازمان حواعد آمد که پس از یک دور حذی خواهد گردید "راه کارگر" کماکان بعنوان نام ارگان تئوریک سیاسی سراسری سازمان ما باقی خواهد مانه سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) کمیته کردستان .



گرامی باد سالگرد نتهادت رفقا :

حشمت نظری (کاک پوروی) و رضا منصور (کاک پوروی)

۶۱ / ۵ / ۳۱ سالگشت شهادت دوتن

از رزنده ترین رفقای سازمان ما، دو پیشرو
تبعاع و آگاه جنبش طبقه کارگر ایران در سنگر
مقاومت انقلاب علیه رژیم فقه‌ها و در کردستان
قهرمان و فتاوی است. ۲۰ تین داور زنده انقلاب
دموکراتیک و رولناریای ایران تعلق به آن سلی
دازند کله تاریخ ایران شرافتی پس استغنائی
ویتا را در پین رونی آنها فراسم آورده است.
شرائط تاریخی، پر رخس بنیاد و نظام، با معنای
سیستم مبتنی بر استثمار و بهره کش سرمایه
و رنج تحمل دیتاتوری و وابستگی به زندگی
زین اجتماعی به مسیرها شدن از ستم و
بهره کشی سرمایه به آزادی و استقلال.

رفیق شهید حشمت نظری در خانواده‌ای
کارگری و در میان زحمتکشان منطقه کرمانشاه
بدنیا آمد. پروری رفیق در آن شرائط اورا
به عصاره رنج و کار بدس نمود. دوران کودکی
را همچون تمام نوازگان محروم این سرزمین
در مشقت کار همراه تحمیل سپری کرد. دوران
جوانی و باروری او همراه با جنبش توده‌ای -
سراسری میهن عزیز و مبارزات علیه سلطنت
عساره سد و او با شرو و انرژی بسیار با شرکت

در فعالیت‌های دموکراتیک در محیط کار و -
تحصیل روز بروز بر درجه آگاهی و توان مبارزاتی
خود افزود. رفیق حشمت در طول فعالیت
دو بار توسط پاسداران سرمایه دستگیر شد.
اما هر بار با استفاده از حد اکثر شعور و پرورشی
خود موفق به نجات از چنگان آنان گردید.
از که یکبار نیز در جنبش مسلحانه خلق کرد
در قبن از سان ۶۰ شرکت نمود. بود بار دیژر
در اردیبهشت ۶۱ به کردستان منتقل گردید
و در تاریخ ۶۱ / ۵ / ۳۱ حین یک ماموریت
انقلابی در اثر انفجار مین با تار خون گرم
خویش پیوند استوار خود با راه رهنائی طبقه
کارگر را اثبات نمود.

رفیق رضا منصور بیسان ۱۳۲۸ در یک
خانواده کارگری در شهر لنگرود چشم بجهان
گشود. بستر پرورشی رفیق از او که با عشق
بی پایان به زندگی توده‌ها و مسائل آن
وابسته بود در جریان مبارزات سالهای ۵۷
عنصری رزنده ساخت. براستر انفجار آگاهی
در آن سالها در چنین عناصری تجلی و
چکیده خود را بروز میدهد. در پرورش و مبارزات



سخنپس (در)

رئائی خلق خود در بنسویی و پیوند مستحکم
 یا مبارزه صبه کارگر و مواضع آن برای رئائی
 سراسر ایران میباشند در چندان کرده است .
 ما از تمامی چنین مبارزاتی که در تلافی صادقانه
 نه برای حل گره گانههای عقلی چنین پیوندی
 بوده و چهریاتی نیز فراهم آورده اند با تمامی
 شرف و امتیاز پرولتری خود جهت همکاری
 همه جانبه با نشریه از طریق ارسال گزارش و
 مقالات و که - اوای تجربیات در زمینه یاد شده
 بالا و سایر زمینه رئائی که بتواند به این امر
 کل رساند و دعوت بعمل میآوریم . با امید آنکه
 بتوانیم با کمک شما صفحات ویژه ای در نشریه

جهت چنین امری اختصاص دسیم و نشریه
 بعنوان تریبونی که در سطح وسیع مباحث و
 مسائل عقلی - برنامه ای پیوند جنبش خلق
 کرد با برنامه انقلاب دموکراتیک پرولتاریائی
 سراسری را در خدمت سازمانگری چنین
 مبارزه ای مطرح مینماید در آید .

دوستان و رفقای عزیز: با ارسال خبره
 گزارش از مبارزات توده بنا و مقالات خود به
 عنای سرچه بیشتر "ریقای گریکار" یاری
 رسانید . با تبلیغ و ترویج دائمی برنامه
 طبقه کارگر برای انقلاب دموکراتیک پرولتری
 ایران یعنی "سمت لیری سوسیالیستی" و
 حکومت شورائی در جنبش توده ای و در
 تشکلهای آنها و با بهره لیری از روشودنا
 "ریقای گریکار" در مورد مسائل مشخص
 مبارزاتی خلق کرد و پیشبرد امر انقلاب -
 دموکراتیک پرولتاریائی و رئائی زحمتکشان
 ایران تلاش انقلابی خود را روشن بنشینید
 و دو چندان نائید .

دوستان و رفقا!
 پیشنهادات و نظرات خود را
 برای ما ارسال دارید .

گراهی یاد سالگره

از زبان ۱۰ در سنگر مقاومت مسلحانه در
 کردستان به مبارزه خود ادامه میدادند
 تاریخ ۲۱/۵/۶۱ به همراه رفیق حشمت و
 با نثار خون سرخ خود و ضامن پیوند جنبش
 خلق کرد و مبارزه پرولتاریای ایران گردید .
 راه سرخشان پر رهرو باد .

زنان و صلح و آزادی و حکومت شورائی

اخبار حبس

عملیات پیشمرگان در دست "کافی چونده" ری

① در تاریخ ۱۲/۳/۶۲ پیشمرگان سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) در چند دسته بطرف پایگاه "برده بون" - واقع در دست "کافی چونده ری" پیشروی کردند. پیشمرگان پس از استقرار در فاصله نزدیک پایگاه در ساعت ۷/۵ عملیات را با حمله به خودروها و تجمعات دشمن به وسیله موطن آرپی - جی و سلاحهای دیگر آغاز کردند. در لحظات اول از خودروهایی دشمن دود غلیظی شعله شای آتش بلند شد. دشمن دیوانه وار همه مناطق را می کوبید و از پایگاه "مرد کلن" و دفته وانم "منطقه را با توپ و خمپاره مورد حمله قرار داد. در این عملیات که یکساعت و نیم بطول انجامید ۱۲ تن از - مزدوران جمهوری اسلامی کشته و زخمی شدند و هیچگونه آسیبی به پیشمرگان وارد نیامد.

پیشمرگان سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) در بین پایتاعهای کافی سید - برده بون کار گذاشته شده بود منطقه را لرزاند. رژیم پس از انفجار مین برای مخفی کردن تعداد کشته و زخمیهای بصدد چند ساعت عبور و مرور در منطقه را منع نمود. حمله به پایگاه "کرده ری"

② در تاریخ ۲۸/۳/۶۲ پیشمرگان سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) همراه با پیشمرگان حزب دمکرات در یک عملیات - قهرمانانه پایگاه "کرده ری" را به محاصره خود در آوردند. پیشمرگان با پاره کردن سیم های خار دار دور پایگاه پیشروی نمودند و آنگاه مزدوران را زیر آتش سلاحهای سبک و نیجه سنگین خود گرفتند. در این عملیات جسورانه که در حدود ۲ ساعت به طول انجامید در حین آن تعدادی از سربازان - نمای دشمن بتصرف پیشمرگان در آمده بود تعدادی از نیروهای مزدور دشمن بتلاکت رسیدند که از تعداد دقیق آن خبری در دست نیست. در این عملیات ۲ پیشمرگه سازمان ما و ۹ پیشمرگه حزب دمکرات زخمی شدند.

③ ساعت ۷/۵ پنج روز ۱۲/۳/۶۲ صدای انفجاری در مین قوی که توسط یکصد سته از انهدام مقر مزدوران در داخل روستای "آمرده"



اجساد شان در تمامی طول نبرد در میدان
 افتاده بود. تعداد دیگری از نیروهای -
 پایگاه برای کمک به مزدورانی که به محاصره
 افتاده بودند حرکت در آمدند که با آتش
 دسته دیگر از پیشمرگان مواجه شدند که
 تعدادی از آنها کشته و زخمی شدند و بقیه
 پسری پایگاه یا بفرار گذاشتند. در تمام غول
 درگیری مزدوران مستقر در پایگاه منطقه را
 با انواع سلاحها زیر آتش خود گرفته بودند
 که خساراتی بسیار نیاورد. پیشمرگان پس از
 پایان موفقیت آمیز عطیات سالم به پایگاههای
 خود بازگشتند. ☉

رتب ۱/۴/۶۲ پیشمرگان سازمان کارگران
 انقلابی ایران (راه کارگر) همراه پیشمرگان
 زیر بمبکرات با طرحی دقیق و منظم به مقر
 دوران در داخل روستای "آرموده" در بین
 نگاههای متعدد رژیم حمله نمودند. در این
 لیات شجاعانه که ۲ ساعت بطول انجامید
 پیشمرگان نیروهای دشمن را زیر ضربات کوبنده
 بود قرار دادند که در نتیجه آتش سلاحهای
 میم و تیمه سنگین پیشمرگان ساختمان مقر بر
 بر مزدوران ویران شد. در این عطیات قهر-
 نانه حدود ۱۵ تن از مزدوران به هلاکت
 رسیدند. در این عطیات ۲ تن از پیشمرگان
 قرب بمبکرات زخم سطحی برداشتند.

مزدوران پایگاه "جمال کوسه" زیر آتش تند
 سلاحهای پیشمرگان

در تاریخ ۱۹/۴/۶۲ یک دسته از پیشمرگان
 سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)
 در جاده پایگاه "جمال کوسه" به کمین مزدوران
 نشستند. در ساعت ۴/۵ بعد از ظهر -
 تعدادی از نیروهای "تأمین جاده پایگاه"
 در حین بازگشت به کمین افتادند. در اثر
 تشویقهای بی ایمان پیشمرگان تعدادی
 از نیروهای "تأمین جاده" در غلطیدنند که

ز رژیم فاشیستی میخواهند...
 داد و این واقعیت همان منبع رحمت رژیم
 فقها میباشد تا به چنین تبلیغات ریاکارانه
 توسل جوید.

با استواری رفرمیستها
 را از صفوف توده عا طرف
 کنیم و نیزنگهای تطنیعت
 را رسرا سازیم!

سازمان کارگران انقلابی ایران
 (راه کارگر)

۶۲/۲/۲۵۰

توضیحی درباره
نام جدید سازمان ما

جامعه ایران پیش از هـ شان است که در
 ین دوران انقلابی بسر میرود . بهر آنسی که
 ظومار دینتاتور ۲۷ ساله آریامهر را در دم
 نوردید . بهر آنسی که چه بسیار نیروهای اجتما
 عی و سیاسی را به ان رساند تا بر زمینشان
 کوبید . جنبش چپ ایران نیز از امواج پر تلاطم
 این بهران بی نصیب نماند و در خور آن هـ بن
 بست پیولیسیت . اتم بر جنب چپ را در برابر
 دید عثمان بنیادین گذاشت . سازمان ما که
 از بدو پیدا این خود هـ سلاح مبارزه با پیولیسیم
 جنبش چپ را بدست برفته بود هـ خود بدلیل
 آلودگی به پیولیسیم هـ نتوانست از چهار جنب
 شد آن خارج شود . از اینرو مبارزه های بنا
 پیولیسیم نیز ناام هـ عقیم و ناموفی برد . در
 آندوره وسیله واساسر جنبین مبارزه ان را
 مبارزه ایدئولوژیک میدانست یعنی محمولی که
 در خور یک محقق مناساتی است هـ راه
 کارگر . بهر آن نام برای چنان بریانی مستند
 سب بود و حتی زمانیکه تشکیلات به سطح
 تشکیلات تبلیغ و ارائه نسیات در سطح جنبش
 تودهای ارتقاء یافت نیز این ترکیب وازه مسا
 میتوانست رسائی افی داشته باشد . سازمان
 ما پس از ین راه پیمایی پر تنده و عاقبانه هـ

بدرا عمیر انحراف حاکم بر جنبش چپ هـ
 خود نیز جزئی از آن پشمار میرفته هـ نسا
 گشته است و با دست یابی بر مبانی ایدئولوژ
 ین هـ برنامه سیاسی و نیوه فعالیت کنونیست
 بمواضع طبقه کارگر تحوون یافته هـ با گامهای
 سنجیده هـ استوار هـ اما با شتاب در خور
 دوران شتاب آلود انقلابی هـ راه خود را به
 سوی تبلیغ و ترویج برنامه پرولتاریا که در ما نا
 برنامه سخت گیری سوسیالیستی است هـ بسوی
 سازماندهی طبقه ارتز و رهبری مبارزات و
 سازماندهی مقاومت توده ها حول برنامه
 پرولتاریا هـ میگذاید .

نام گذشته سازمان "راه کارگر" که در
 چهار جنب پیولیسیت گذاشته هـ پاسخگوی
 تشکیلات تبلیغ گذشته میتوانست باشد هـ دیگر
 نمیتواند گویای پارکرائی که بر دوس سازمان
 ما قرار گرفته است هـ باشد . این سازمان نص
 ترهتد خود را نماینده هـ طرفدار هـ
 "خلق" هم چون "میاندخلن" و "فدائی
 خلق" بنامد . چرا که از سوئی نمیتوان به
 جای خاں و از طرف او بهر صورتی خواه به
 سئل فدائی او و خواه بیکل مجاهد
 کرد . امر مبارزه امر خود توده است و با
 بشنوان پیشرو هـ رهبر و سازمانگر مبارزه او
 مبارزه را ارتقاء داد و پیروز گردانید . از

مجلس خبرگان در روند تثبیت سیاسی رژیم فقها!

اعلام شد گویای این واقعیت است) و
 معزمانی آغاز بکار مجلس خبرگان با تغییرات
 در ترکیب شورای نگهبان و اخبار مربوطه
 تغییرات و ترمیم کابینه و گسودن جبهه تازه
 جنک یا عراق در شمال اردستان و منطقه
 مهران و همه و همه بیانگر فعل و انفعالات

مجلس خبرگان حدود شش ماه بعد از -
 برگزاری انتخابات آن بالاخره در اوائیل
 تابستان و آنهم نه با ترکیب کامل نمایندگان
 آواز به کار کرد. تکمیل نکردن ترکیب
 نمایندگان و وقفه نسبتاً طولانی شش ماهه
 تا شروع بکار که با اراده جناح سلط
 حاکمیت اسلامی یعنی "فقهای تاجیکست" و
 گرد آمده در کاست حکومتی تحصیل شده -
 (موضعگیری صریح رفسنجانی در مورد عدم
 استیجاب به شروع کار مجلس خبرگان در حیات
 خمینی که در مصاحبه دوم آورده ۱۱

بخش اعلامیه

سازمان کارگران انقلاب ایران (راه کارگر)
 در باره سرکوب حزب توده

رژیم فاشیستی میتواند دستور پنجم

ورزشگشته خود در میان انقلاب و
 نماینده طایفه کارگرها بزرگ

در صفحه ۱۱

بیاورد

پیش به سوی تشکیل حزب طبقه کارگر!